

M. Hossein Azizi-Kharanaghi, Yoshiro Nishiaki, and Morteza Khanipur, "Tepe Rahmatabad, Pasargadae: The Absolute and Relative Chronology," *Iran Nameh*, 27:2-3 (2012), 78-101.

تاریخ گذاری مطلق و نسبی تپه رحمت آباد، پاسارگاد

محمد حسین عزیزی خرائقی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، دانشکده هنر

یوشیرو نیشیاکی

گروه باستان‌شناسی دانشگاه توکیو

مرتضی خانی پور

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

Mohammad Hossein Azizi Kharanaghi,
Yoshihiro Nishiaki, Morteza Khanipour
hossinazizi@yahoo.com



پروفسور یوشیرو نیشیاکی استاد گروه و موزه باستان‌شناسی دانشگاه توکیو و متخصص در دوره نوسنگی خاورمیانه است. ایشان سال‌ها در محوطه‌های متعلق به دوره نوسنگی در کشورهای سوریه و آذربایجان به کاوش پرداخته است. هم‌اکنون او مشغول بازخوانی و انتشار داده‌های باستان‌شناختی است که در دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ توسط تیم‌های باستان‌شناسی ژاپنی در دشت مرو دشت کاوش شده است. در آن دوره تپه‌های نوسنگی موشکی و جری و محوطه‌های دوره مس و سنگ از قبیل تل گپ و تل باکون توسط باستان‌شناسان ژاپنی مورد حفاری قرار گرفت.

مرتضی خانی پور کارشناسی باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد و دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

محمد حسین عزیزی خرائقی مقاطع کارشناسی؛ کارشناسی ارشد در گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران گذرانده و هم‌اکنون در مقطع دکتری دوره پیش از تاریخ ایران با تاکید بر دوره نوسنگی در حوزه فرهنگی فارس در حال تحصیل است. کاوش‌های باستان‌شناختی متعددی در فلات مرکزی ایران (دشت قزوین؛ دشت تهران؛ دشت کاشان) انجام داده است ولی تمرکز اصلی مطالعات میدانی باستان‌شناختی او روی دوره نوسنگی و نوسنگی گرای در فارس است و محوطه‌هایی همانند تپه رحمت‌آباد پاسارگاد بر دهانه جنوبی تنگ بلاغی و محوطه نوسنگی تل قصر احمد در شهرستان کوار استان فارس بر حاشیه رودخانه قره‌آغاج را کاوش کرده است.

است. دور خود هسته اصلی تپه توسط میراث فرهنگی
فنس کشی شده که وسعت دقیق فضایی که داخل این
فنس قرار گرفته و آن را تپه رحمت آباد می شناسند، ۴۷۰۷
متر مربع است (تصاویر ۲ و ۱۹). این محوطه در سال ۱۳۵۵
با شماره ۱۳۶۲ در آثار ملی ایران ثبت شده است.

علازغم کاوش های گسترده ای که در فصل اول (در سال
۱۳۸۴) در این محوطه صورت گرفت متأسفانه لایه نگاری
منسجم و مشخصی از آن به دست نیامد و کاوش قبل از
حصول نتایج کامل متوقف گردید؛^۱ لذا مهم ترین هدف
کاوش های صورت گرفته در فصل دوم، ارائه گاهنگاری نسبی
و مطلق از تپه رحمت آباد بود تا خلاء لایه نگاری و گاهنگاری
نسبی و مطلق این محوطه مرتفع گردد. تواریخ مطلق از برخی
لایه های فرهنگی این محوطه^۲ ارائه شده ولی مشکل اصلی
عدم ارائه گاهنگاری با توالی لایه نگاری است. در کاوش های
صورت گرفته در فصل دوم سعی گردیده که حتی الامکان
این موضوع برطرف گردد و گاهنگاری نسبی و مطلق ارائه
شده در این مقاله بیانگر این موضوع است (به ادامه بنگرید).
بدین منظور در دومین فصل کاوش های باستان شناختی
تپه رحمت آباد ترانشه ای پلکانی (ترانشه G) در مرکز و
مرتفع ترین قسمت محوطه که بیشترین ارتفاع و بیشترین
ضخامت لایه های فرهنگی را در خود داشت، مورد کاوش
قرار گرفت. ترانشه G دارای ابعاد ۱۰×۵ متر و جهت شرقی
- غربی و ضخامت لایه های فرهنگی آن حدود ۹ متر است و
کاوش در این ترانشه توانست گاهنگاری دقیق و کاملی
از این محوطه ارائه کند. به طور کلی بر اساس کاوش های
صورت گرفته در ترانشه G چهار دوره فرهنگی در تپه رحمت
آباد شناسایی و معرفی گردید که از بالا به پایین شامل:
- دوره اسلامی متاخر (دوره قاجار)
- دوره هخامنشی (اوایل این دوره)
- دوره باکون میانه (هزاره پنجم قبل از میلاد)
- دوره نوسنگی (شامل دوره نوسنگی با سفال (قبل از فاز
موشکی) و فاز نوسنگی بدون سفال (فاز رحمت آباد)
می گردد. در این مقاله از دوره نوسنگی بدون سفال
فارس با عنوان فاز رحمت آباد معرفی می گردد.

^۱ این توقف به دلیل اتمام زمان کاوش بود.

^۲ Rinhard Bernbeck., Susan Pollock., Hassan Fazeli Nashli
, Rahmat Abad, "Dating the Aceramic Neolithic in Fars
Province," *Neo-Lithics*, 1:08, (2008), 38.



رحمت آباد تپه ای کوچک در کنار روستایی به همین
نام در دشت کمین (سعادت شهر) شهرستان پاسارگاد
است. رودخانه پلوار در شرق و تنگه بلاغی در شمال
آن قرار گرفته و بخش های جنوبی و غربی این محوطه
نیز با زمین های حاصل خیز کشاورزی محدود شده است.
بزرگراه اصفهان - شیراز درست از جنوب و کنار محوطه
و ریل راه آهن تهران - شیراز نیز در فاصله حدود ۲۰۰
متری شمالی آن عبور می کند. موقعیت جغرافیایی این
محوطه $30^{\circ}06'42''N$ و $53^{\circ}03'26''E$ و $26,94$ است.
ارتفاع این محوطه از سطح دریا ۱۷۷۴ متر و ارتفاع آن از
سطح زمین های مجاور ۶ متر و وسعت آن حدود ۵/۵ هکتار
است. بخش های عمده جنوبی و غربی این محوطه در
اثر فعالیت های راه سازی تخریب شده و بخش شمالی و
شمال شرقی آن نیز توسط خانه های روستایی پوشانده شده

پیشینه پژوهشی

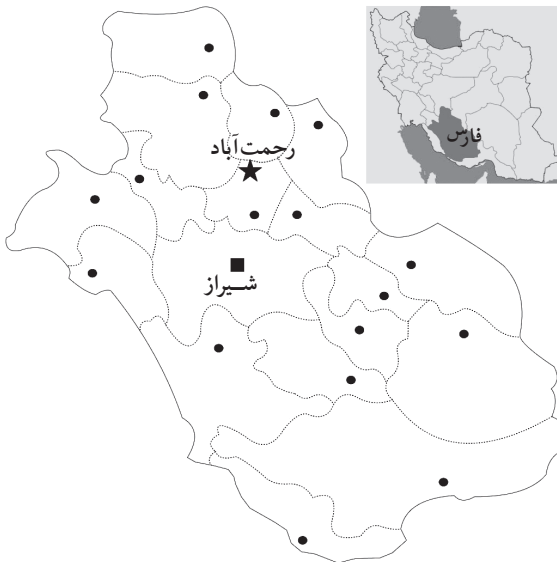
اولین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی تپه رحمت‌آباد در تابستان ۱۳۸۴ هم‌زمان با پروژه نجات‌بخشی سد سیوند انجام شد. تیم مشترکی از مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (حسن فاضلی نشلی) و دانشگاه بینگهمتون نیویورک (سوزان پولاک و راینهارد برنیک) این محوطه را مورد کاوش قرار دادند.^۳ در این فصل سه ترانشه افقی ۱۰ × ۱۰ متر در بخش جنوبی تپه و در نزدیکی بزرگراه در جهت شرقی - غربی با نام‌های ترانشه‌های A, B, C و سه ترانشه لایه‌نگاری با نام‌های D در بخش جنوبی تپه و چسبیده به بزرگراه با ابعاد ۲ × ۲ متر، ترانشه E در بخش غربی محوطه به صورت پلکانی با ابعاد ۲ × ۲ متر و ترانشه F در بخش شمالی محوطه در نزدیکی خانه‌های مسکونی با ابعاد ۲ × ۱ متر مورد کاوش قرار گرفتند (تصویر ۲). در سه ترانشه A, B و C آثار دوره فرهنگی گپ شناسایی که آثار معماری صنعتی مربوط به تولید سفال را شامل می‌شد. در ترانشه لایه‌نگاری D تنها لایه‌های فرهنگی دوره باکون میانه بصورت مضطرب، در ترانشه پلکانی E آثاری از دوره‌های تاریخی و باکون میانه و در ترانشه آزمایشی F آثار فرهنگی دوره باکون میانه شناسایی شد.^۴

روش کاوش و ثبت و ضبط داده‌های فرهنگی

از روش کانتکست در حفاری و برای نشان دادن تقدم و تاخر کانتکست‌های مختلف از نمودار هریس (تصویر ۳) استفاده شده است. کانتکست‌های مختلف بر اساس بافت خاص خود، دارای اندازه، ضخامت و ابعاد مختلفی هستند. شماره کانتکست‌های ترانشه G از عدد ۷۰۰۰

شروع شده و آخرین شماره آن ۷۰۴۲ می‌باشد، در ترانشه G تعداد ۴۲ کانتکست مختلف شناسایی و کاوش گردید. از نمودار هریس نیز برای نشان دادن تقدم و تاخر کانتکست‌های مختلف استفاده شده و کانتکست‌های معماری یا مرتبط با آن همانند دیوار، اندود، توده خشت، کف، اجاق، تنور و نظایر آن در این نمودار با شکل مربع و دیگر کانتکست‌ها، همانند بافت خاک، خاکستر، زباله‌دانی (پیت) و امثال آن با شکل دایره و برای تدفین از شکل مثلث استفاده شده است. برای ثبت و ضبط دقیق داده‌های فرهنگی مختلف بر اساس کانتکست‌های متفاوت و تاریخ‌های مختلف، از روش شماره ثبتی (Registry Number) یا به اختصار RN استفاده شده

^۳ حسن فاضلی نشلی، محمدحسین عزیزی‌خرانقی، "سبک‌شناسی و رابطه نقش و فرم بر روی سفال‌های پیش از تاریخ تپه رحمت‌آباد"، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۴ (۱۳۸۷)، ۱۰۱-۱۲۴.
^۴ حسن فاضلی نشلی، محمدحسین عزیزی‌خرانقی، سوزان پولاک، راینهارد برنیک، "گاهنگاری نسبی تپه رحمت‌آباد بر مبنای یافته‌های سفالی"، نامه پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، شماره ۲۱-۲۲، (۱۳۸۸)، ۵۹-۶۸.

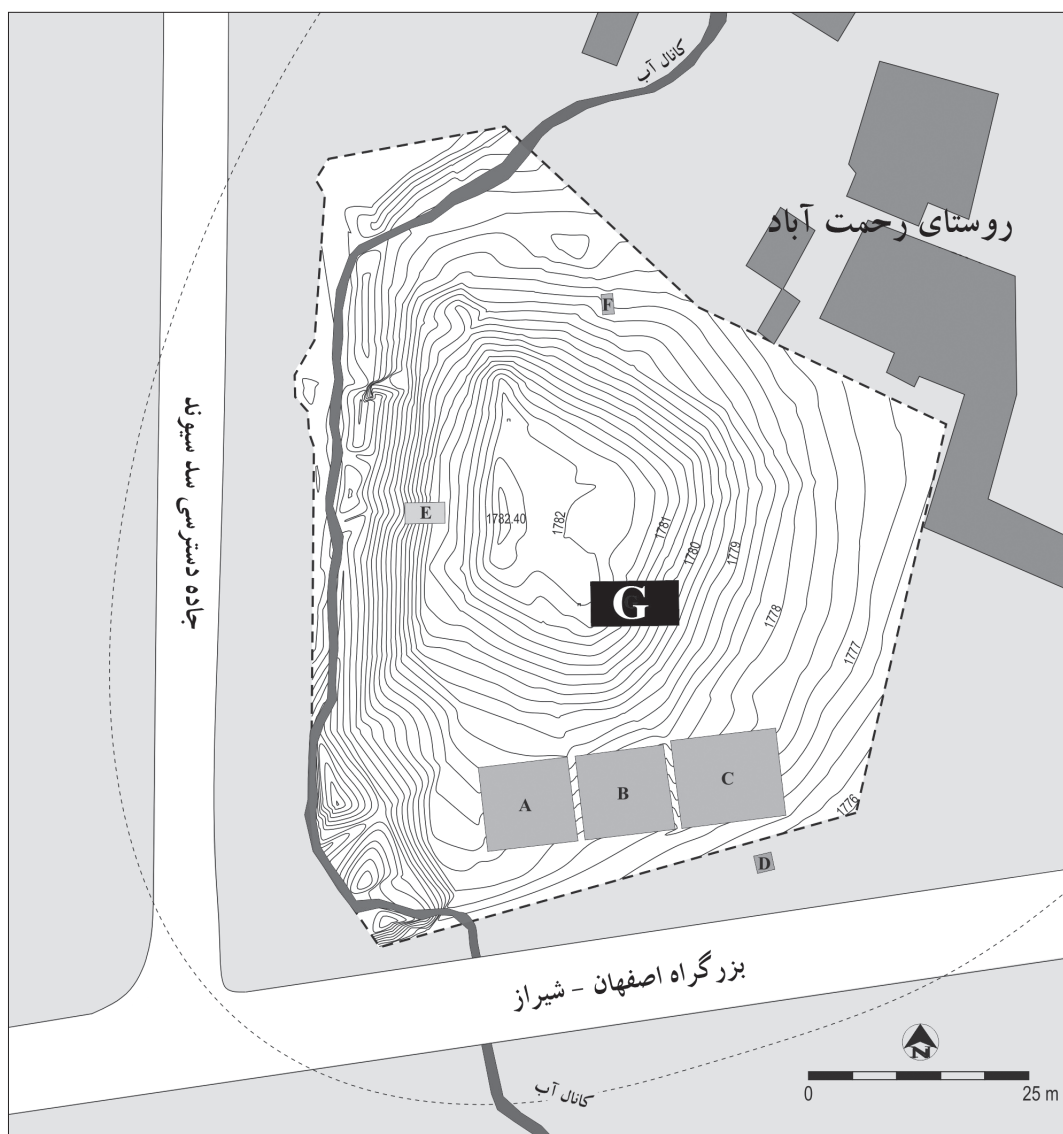


تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی تپه رحمت‌آباد

است. در کاوش‌هایی که در این ترانشه صورت گرفت، تعداد ۱۷۳ اثر به دست آمد که از شماره ۷۰۰۰ تا شماره ۷۱۷۳ را شامل می‌شود. برای ثبت دقیق محل کشف هر اثر، گوشه شمال شرقی ترانشه به عنوان نقطه ثابت اندازه‌گیری در نظر گرفته و طول و عرض (X و Y) هر یافته از این محل اندازه گرفته شده است. عمق (Z) هر اثر نیز با استفاده از دوربین نیو محاسبه گردیده است.

ترانشه لایه‌نگاری G

ترانشه G در رأس تپه و دارای جهت شرقی - غربی در شیب تقریباً بخش شرقی محوطه قرار گرفته است. برای بدست آوردن حداکثر اطلاعات و حداقل تخریب، این ترانشه بصورت پلکانی مورد کاوش قرار گرفت (تصویر ۲۰). بدین صورت که بعد از شناسایی هر دوره فرهنگی، ادامه کاوش در آن متوقف و پله پایین‌تری مورد حفاری قرار می‌گرفت، بدین صورت ۸ متر از ۱۰ متر طول ترانشه مورد کاوش قرار گرفت و فضای ۲ × ۵ متر باقیمانده جهت لایه‌نگاری تا پایین‌ترین لایه‌های فرهنگی تپه رحمت‌آباد مورد کاوش قرار گرفت که در فاصله‌های مختلف برای کنترل و همچنین افزایش سرعت کاوش، پله‌هایی نیز در این بخش ایجاد شد، به صورتی که ابعاد تحتانی ترین لایه تنها ۱/۵ × ۲ متر بود و فضایی با ابعاد ۱ × ۱ متر نیز برای اطمینان حصول خاک بکر حفاری شد. با توجه به شیب تپه در دامنه شرقی آن، اختلاف ارتفاع از رأس ترانشه تا ابتدای فضای ۲ × ۵ متر، ۲/۵ متر و ضخامت کل لایه‌های فرهنگی در این ترانشه از رأس تپه تا خاک بکر ۸۷۰ سانتی‌متر است. همان‌گونه که در بالا نیز ذکر شد، به طور کلی ۴۲ کانتکست



تصویر ۲: نقشه توپوگرافی تپه رحمت آباد

۷۰۴۱ و ۷۰۴۲ معرف خاک بکر در ترانشه لایه‌نگاری G است (جدول ۱). خاک بکر در این ترانشه شامل ماسه و قلوه‌سنگ‌های بزرگ و کوچک است. با توجه به شواهد موجود احتمالاً در رحمت‌آباد استقرار بر روی بستر سنگی زمین شکل گرفته است. در زیر هر یک از ادوار فرهنگی شناسایی شده در ترانشه G تپه رحمت‌آباد در دومین فصل کاوش‌های این محوطه در سال ۲۰۰۹ ارائه گردیده است:

دوره اسلامی

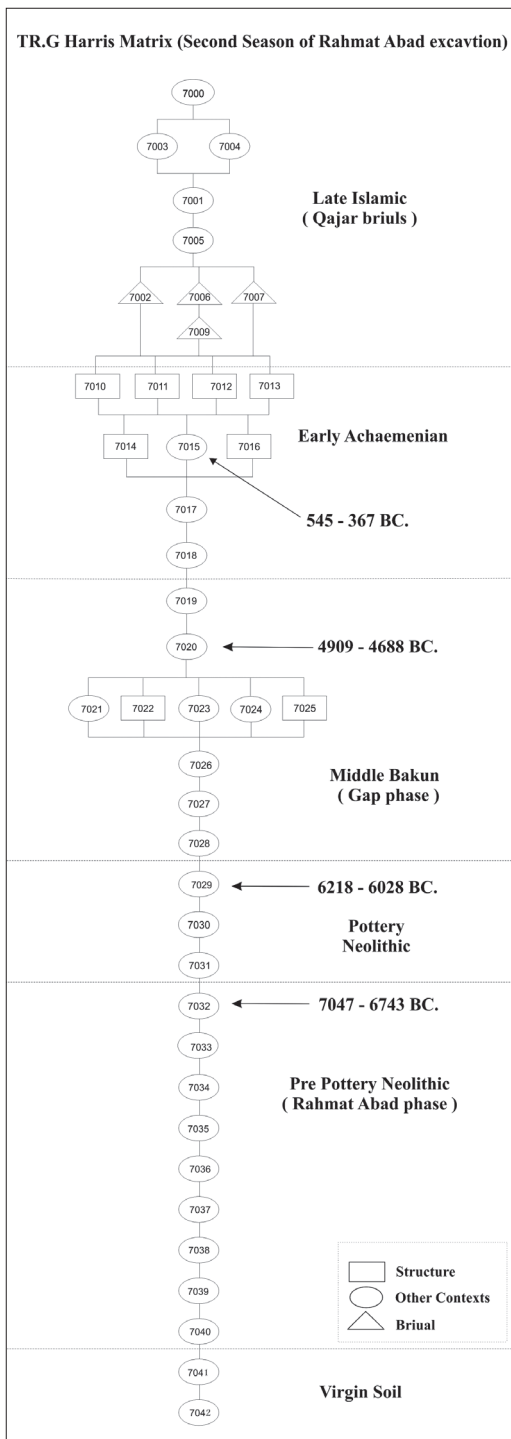
بررسی‌ها و همچنین تجربه کشف سنگ قبری متعلق به دوران قاجار در فصل گذشته (فصل اول، سال ۲۰۰۵) بیانگر وجود قبرستانی مربوط به دوره اسلامی متاخر

مختلف (جدول ۱) شامل آثار معماری، تدفین، زیاله‌دانی، لایه‌های خاک و خاکستر و خاک حرارت‌دیده شناسایی شد. در ترانشه G چهار دوره فرهنگی اصلی شناسایی شدند (تصویر ۳). کانتکست‌های ۷۰۰۰ تا ۷۰۰۹ معرف دوره اسلامی متاخر (دوره قاجار)، کانتکست‌های ۷۰۱۰ الی ۷۰۱۸ معرف دوره هخامنشی، کانتکست‌های ۷۰۱۹ تا ۷۰۲۸ معرف دوره باکون (فاز گپ)، کانتکست‌های ۷۰۲۹ تا ۷۰۴۰ معرف دوره نوسنگی هستند. دوره نوسنگی را نیز می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود. کانتکست‌های ۷۰۲۹ الی ۷۰۳۱ معرف دوره نوسنگی با سفال (قبل از فاز موشکی) و کانتکست‌های ۷۰۳۲ تا ۷۰۴۰ معرف دوره نوسنگی بدون سفال (فاز رحمت آباد) هستند. دو کانتکست

Context NO.	Description of Context	Period	Relative chronology	Absolute Dating	Cultural Phase
7000	Surface layer with 20 cm thickness	Late Islamic	19th century		Qajar
7001	Compact Clay layer with 50 Cm thickness				
7002	Burial				
7003	Cumulative of the rubble, South wall of trench				
7004	Cumulative of the rubble, NW wall of trench				
7005	A big stone, NW wall of trench				
7006	Paving of burial				
7007	Burial				
7009	Skeleton				
7010	Mud brick pavement with 72 cm thickness	Achaemenian	Fifth Hundred BC		Achaemenian
7011	Clay layer with 60 Cm thickness				
7012	Mud brick wall				
7013	Compact Clay layer with 60 Cm thickness				
7014	Mud brick wall				
7015	Clay layer with 149 Cm thickness			545-367 BC	
7016	Mud brick wall				
7017	Clay layer with 40 Cm thickness				
7018	Clay layer with 25 Cm thickness				
7019	Mud brick collapse	Middle Bakun	Fifth millennium BC		Gap Phase
7020	Clay layer with 160 Cm thickness			4909-4688 BC	
7021	Clay layer with 20 Cm thickness				
7022	Small oven				
7024	Ash layer with 16 Cm thickness				
7025	Mud brick structure				
7026	Ash layer with 15 Cm thickness				
7027	Compact ash layer with 30 Cm thickness				
7028	Ash layer with 10 Cm thickness				
7029	Clay layer with 65 cm thickness	Pottery Neolithic		6218-6028 BC	Before Mushki Phase
7030	Clay layer with 50 cm thickness				
7031	Ash layer with 5 cm thickness				
7032	Clay layer with 35 cm thickness	Pre Pottery Neolithic	Late eighth millennium BC	7047- 6744 BC	Rahmat Abad Phase
7033	Ash layer with 55 cm thickness				
7034	Ash layer with 6 cm thickness				
7035	Burnt clay layer with 8 cm thickness		Middle Eighth millennium BC		
7036	Burnt clay layer with 5 cm thickness				
7037	Burnt clay layer, so soft and white colour				
7038	Black ash layer with 8 cm thickness				
7039	Ash layer with 7 cm thickness				
7040	Clay layer with 64 cm thickness				
7041	Hard clay layer with 27 cm thickness	Virgin Soil			
7042	Hard layer of the river rocks and soil with lime deposits				

جدول ۱: گاهنکاری و توالی فرهنگی کانکست‌های مختلف ترانشه G
تپه رحمت‌آباد

TR.G Harris Matrix (Second Season of Rahmat Abad excavation)

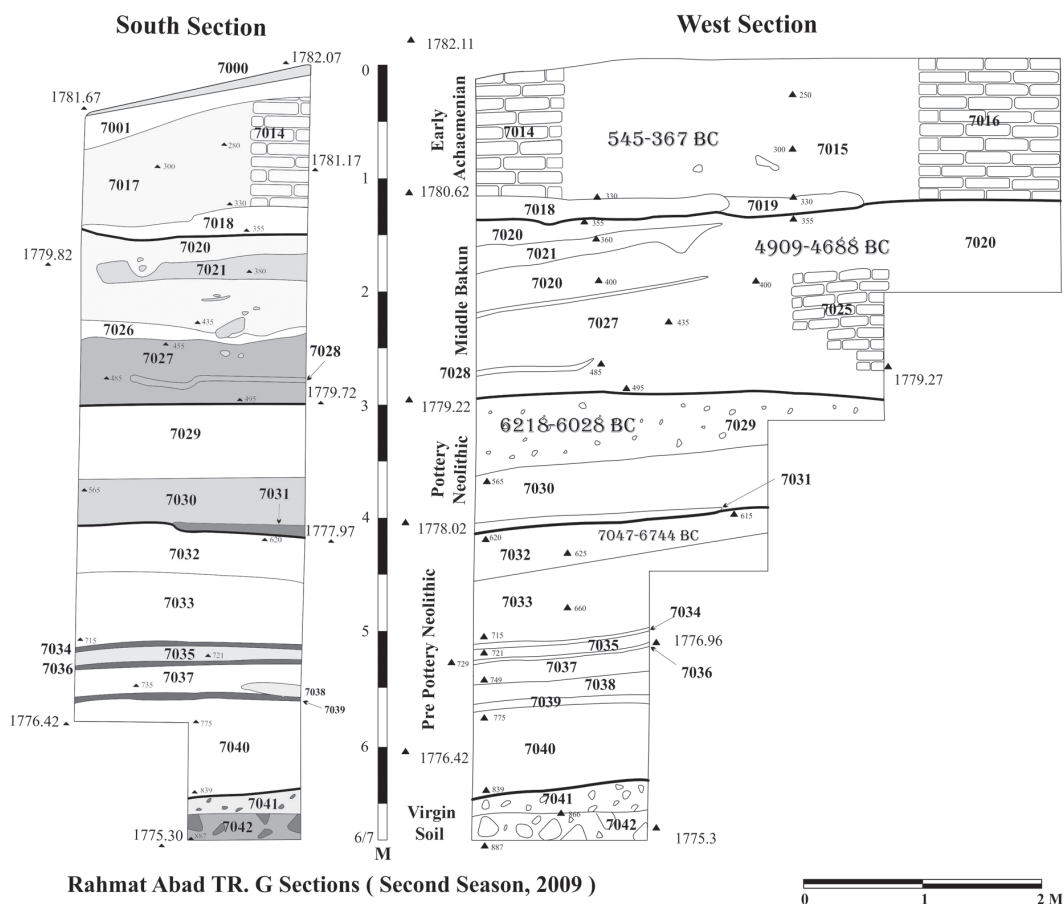


تصویر ۳: نمودار هریس ترانشه G و گاهنگاری نسبی و مطلق این ترانشه

بر روی تپه رحمت آباد بود. با بررسی ها و بازدیدهای میدانی از دیگر تپه های پیش از تاریخی منطقه نیز این موضوع مشخص شد که در دوران متأخر اسلامی، عشایر منطقه از سطح تپه های باستانی به دلیل ارتفاع بلند آن نسبت به سطح دشت، به عنوان قبرستانی جهت دفن مردگان خویش استفاده می کرده اند. در ترانشه G سه عدد قبر متعلق به دوره متأخر اسلامی در بالاترین لایه های آن شناسایی شد (تصویر ۲۱). این قبرها دقیقاً در راستای قبله و به صورت چاله ساده ای است که روی آن را با تخته سنگ های نسبتاً بزرگ و قطعات بزرگ سفال پوشانده شده است و دو تخته سنگ بزرگ به عنوان علامت قبر بر بالا و پایین آن نهاده اند. یکی از قبرها جهت حصول اطمینان باز شد و تنها در آن اسکلت احتمالی مردی (با توجه به فرم کلی جمجمه و علائم کلی اسکلت) دیده می شد که به پهلوی راست قرار گرفته بود و جهت نگهداری این حالت، تخته سنگی در مقابل لگن آن قرار داده شده بود که مانع از جابجایی اسکلت می شد و هیچ گونه شیئی همراه مرده نبود (تصویر ۲۲). قبور اسلامی به شدت بافت لایه پایینی یعنی دوره هخامنشی را تخریب نموده اند.

دوره هخامنشی

در زیر قبور دوره اسلامی سازه عظیم خشتی که بخش هایی از آن در ترانشه G قرار داشت، شناسایی شد. شواهد اندک سفالی و همچنین تاریخ گذاری مطلق ارائه شده از این بخش گویای استقرار از دوره هخامنشی می باشند (تصاویر ۵ و ۲۴). به طور کلی تعداد ۹ کانتکست ۷۰۱۰ تا ۷۰۱۸ معرف لایه های فرهنگی دوره مذکور هستند که شامل لایه های فشرده خاک و آثار خشتی اند (جدول ۱). شواهد این دوره از عمق ۱۳۰ سانتی متری از رأس تپه دیده می شود و شامل سطحی خشت فرش است. این سطح خشت فرش دارای هفت ردیف و خشت های آن دارای ابعاد $۱۰ \times ۴۰ \times ۴۰$ سانتی متر هستند. با توجه به جهت حرکت سطح خشتی می توان امتداد آن را در بخش بیرونی ترانشه پیگیری کرد. برای نگهداری این آثار خشتی در این بخش یله ای ایجاد و دوباره در عمق ۲ متری از رأس ترانشه یعنی در عمق ۷۰ سانتی متری از اولین سطح خشتی، آثار دو سازه خشتی دایره ای با پلانی با ۱۵ ردیف خشت شناسایی گردید (تصاویر ۶ و ۲۳). این دو سازه به صورت قرینه یکدیگر (کانتکست های ۷۰۱۴ و ۷۰۱۶) در بخش های شمالی و جنوبی ترانشه قرار گرفته بودند. ابعاد خشت های این بخش دارای ۲ اندازه متفاوت است. اکثر خشت ها دارای همان اندازه $۱۰ \times ۴۰ \times ۴۰$ سانتی متر اما در سطح بیرونی هر دو دایره با خشت های باریک تری به ابعاد $۱۰ \times ۲۰ \times ۴۰$ سانتی متر استفاده شده است. نکته



تصویر ۴: مقطع غربی و جنوبی لایه‌نگاری ترانسه G

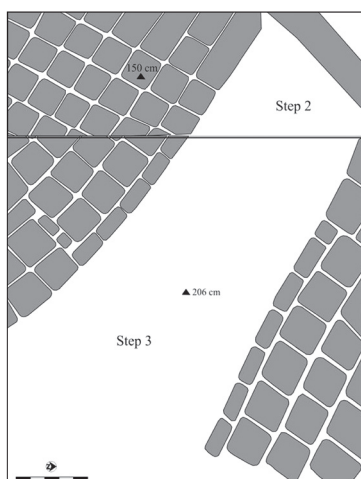
بر این مدعا است. متأسفانه همان‌گونه که در بالا ذکر شد، به دلیل تخریب گسترده‌ای که توسط قبرهای متأخر اسلامی و همچنین وسعت اندک کاوش در لایه‌های دوره هخامنشی، نمی‌توان کارکرد کاملاً مشخصی را برای این سازه به صورت دقیق بیان کرد. ضخامت کلی آثار خشتی مربوط به این دوره بالغ بر ۳ متر و کانتکست‌های ۷۰۱۵ الی ۷۰۱۸ معرف این دوره‌اند. یک نمونه تاریخ‌گذاری مطلق از کانتکست ۷۰۱۵ که بافتی متشکل از خاک فشرده در میان دو نیم دایره خشتی است، تاریخ ۳۶۷ - ۵۴۵ قبل از میلاد را با احتمال ۸۹/۶ درصد درستی ارائه

جالب توجه وجود قطعات سفال‌های دوره پیش از تاریخ (دوره پاکون) در میان خشت‌ها است. به نظر می‌رسد احتمالاً در دوره هخامنشی با توجه به موقعیت استراتژیک تپه رحمت‌آباد بر دهانه تنگه بلاغی^۶ و موقعیت ویژه‌ای که این محوطه برای کنترل و نظارت بر راه شاهی میان پاسارگاد و تخت جمشید داشته، سازه خشتی عظیمی را با تسطیح کردن سطح محوطه‌ای پیش از تاریخی بر روی تپه رحمت‌آباد ساخته‌اند که احتمالاً کارکرد آن حفاظت، کنترل و حراست از راه شاهی بوده است. وجود محوطه‌های هخامنشی مختلف در تنگه بلاغی نیز شاهدی

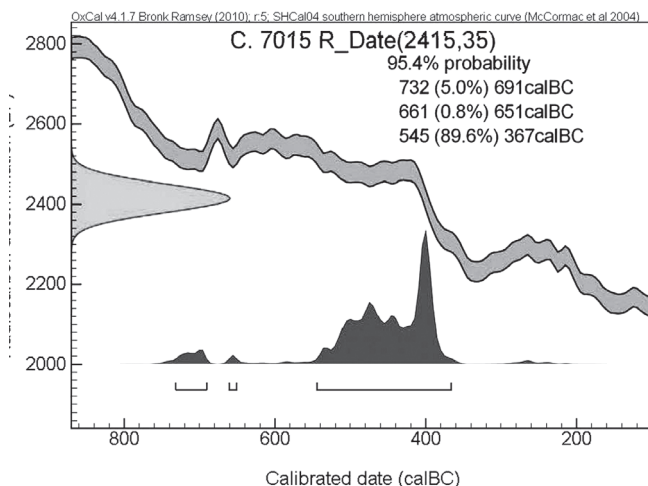
^۶ Ernest Herzfeld, "Prehistoric Persia I: A Neolithic Settlement at Persepolis: Remarkable New Discovery," *Illustrated London News*, (May 25, 1929).

^۷ Barbara Helwing and Mojgan Seyedin, "Bakun-Period Sites in Darre-ye Bolāghi, Fars, Beyond the Ubaid, transformation and integration in the Late Prehistoric Societies of the Middle East," ed., Robert A. Carter and Graham Philip, *Studies in Ancient Oriental Civilization*, No. 63 (2006), 277.

^۸ محمدتقی عطایی، "گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش نجات‌بخشی مشترک تیم ایرانی - فرانسوی در محوطه های ۸۵، ۸۶ و راه شاهی در تنگه بلاغی،" (منتشر نشده) (کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۵)؛ محمدتقی عطایی، رمی بوشارلا، "گزارش مقدماتی کاوش نجات‌بخشی تیم مشترک ایران - فرانسه در محوطه شماره ۳۴، تنگه بلاغی،" (منتشر نشده)، (کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۶).



تصویر ۶: پلان سازه خشتی هخامنشی (ترانه G)



تصویر ۵: تاریخ مطلق کربن ۱۴ کانتکست ۷۰۱۵ از دوره هخامنشی

شواهد و مدارک فرهنگی به دست آمده از این لایه‌ها، مخصوصاً شواهد سفالی و تاریخ‌گذاری مطلق کربن ۱۴، مرتبط با دورهٔ باکون میانه (فاز گپ، هزاره پنجم قبل از میلاد) است. بطور کلی تعداد ۱۰ کانتکست (۷۰۱۹ الی ۷۰۲۸) در بردارندهٔ آثاری از این دوره هستند که شامل لایه‌های خاک، خاکستر، آوار خشتی و سطوح حرارت دیده است (جدول ۱).

از کاوش‌هایی صورت گرفته در فصل گذشته آثار مرتبط با فعالیت‌های صنعتی تولید سفال، شامل کوره‌های سفال‌گری و یافته‌های مرتبط به آن و تولید ابزارهای سنگی بوده که کاوش‌های صورت گرفته در فصل جاری نیز مؤید نکته فوق است. بر اساس کاوش‌های فصل دوم، دورهٔ باکون میانه (فاز گپ) بر روی محوطه‌ای نوسنگی شکل گرفته و با توجه ترانه‌هایی که در بخش جنوبی محوطه ایجاد شده، این دوره بیشتر در قسمت جنوبی تپه رحمت‌آباد گسترده شده است. در کاوش‌های صورت گرفته در ترانه C حدود ۱۸۰ سانتی‌متر از لایه‌های فرهنگی مربوط به این دوره شناسایی گردید. هیچ‌گونه شواهد معماری مربوط به دورهٔ باکون میانه در فصل دوم کاوش شناسایی نشد و سفال بیشترین حجم داده‌های فرهنگی مربوط به این دوره می‌باشد. به نظر می‌رسد تپهٔ رحمت‌آباد پس از این دوره متروک شده

کرده است (تصویر ۵).

دورهٔ باکون میانه (فاز گپ)

دورهٔ باکون برای نخستین بار در سال ۱۹۲۹ در کاوش‌های ارنست هرتسفلد در تل باکون، دو تپهٔ کوچک پیش از تاریخی در نزدیکی تخت جمشید، شناسایی شد^۶ که معرف گروهی از سفال‌های دوره مس‌سنگی در ایران بود.^۷

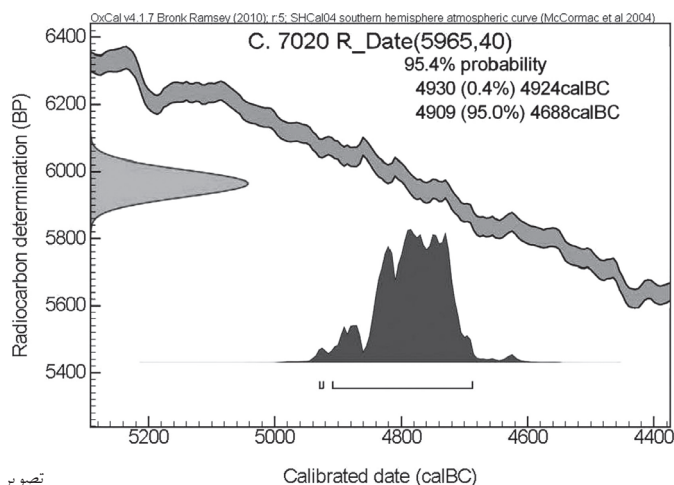
کاوش‌های تل باکون الف در سال‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۳۷ پیگیری شد که مشخصه آن سفال‌های منقوش و ویژهٔ معروف به باکون الف با نقوش حیوانی خاص و طرح‌های هندسی پیچیده، همراه با معماری چینه‌ای گسترده، کوره‌های سفال‌گری، تولید ابزارهای سنگی و مسی، مهر و اثر مهر و شواهد مدیریت اداری است^۸. پس از آن کاوش در محوطه‌های متعلق به دورهٔ باکون در دیگر تپه‌های پیش از تاریخی فارس همانند سه آسیاب و دو تولان،^۹ تل خر و تل نخودی^{۱۰} در دشت پاسارگاد پیگیری شد. سپس وان‌دنبورگ با مطالعه یافته‌های سطحی و همچنین انجام گمانه‌زنی‌هایی در محوطه‌های حوزهٔ رود کر، اقدام به ارائه نخستین گاهنگاری نسبی بر اساس تغییرات سفالی از توالی فرهنگی فارس در دورهٔ مس‌سنگی (باکون) نمود.^{۱۱} در زیر لایه‌های دورهٔ هخامنشی، آثار فرهنگی مربوط به دورهٔ پیش از تاریخ شناسایی شد که با توجه به

^{۱۰} Ali Sami, *Pasargadae* (Shiraz: Mousavi Printing Office, 1971).

^{۱۱} Berghe L. Vanden, *Archaeologische opzpekingen in de Marv Dasht-vlakte, Iran* (Netherland: Jaarbericht ex Oriente Lux, 1952) vol. 12, 212-220; *Archaeologische navorsingen in de omstreken von Persepolis, Iran* (Netherland: Jaarbericht ex Oriente Lux, 1954) vol. 13: 394-408.

^۸ Erich F Schmidt, "Tol-e-Bakun: Prehistoric Mound near Persepolis," *Pennsylvania University Museum Bulletin*, no. 71 (1939), 27-29; Alexander Langsdorff and Donald E. McCown, *Tall-i-Bakun A: Season of 1932* (Chicago: Oriental Institute Publications, University of Chicago press, 1942).

^۹ Aurel Stien, "An Archaeological Tour in the Ancient Persis," *The Geographical Journal*, vol. 3 (December 1936), 112-225.



تصویر ۷: تاریخ مطلق کربن ۱۴ فاز فرهنگی گپ از کانتکست ۷۰۲۰

در حوزه رود کر تاریخ ۵۲۰۰ - ۴۱۰۰ قبل از میلاد پیشنهاد شده است. معمولاً دوره باکون به سه فاز قدیم، میانی و جدید تقسیم می‌شود،^{۱۹} هرچند که مرز این فازها کاملاً مشخص نیست و عموماً این تقسیم‌بندی بر مبنای تغییرات فرم سفال و توالی گرامر نقوش است.^{۲۰} یک نمونه تاریخ مطلق کربن ۱۴ بدست آمده از دوره باکون میانه در تپه رحمت آباد (کانتکست ۷۰۲۰) با احتمال ۹۵ درصد درستی تاریخ ۴۶۸۸ - ۴۹۰۹ قبل از میلاد را ارائه کرده است. این تاریخ بیانگر آغاز این فاز فرهنگی در اوایل هزاره پنجم قبل از میلاد است. با توجه به شواهد معماری و سفالی که در فصل قبل به دست آمدند^{۲۱} دوره باکون میانه فاز اصلی تپه رحمت آباد است. حضور کوره‌های تولید سفال پیشرفته در ترانشه^{۲۲} C و انباشت عظیم خاکستر و تعداد فراوان قطعات سفالی با نقوش هندسی فوق‌العاده پیچیده و

و سپس در دوره تاریخی دوباره مورد استقرار قرار گرفته است. دوره باکون در فارس با سفال‌هایی با نقوش سیاه بر روی زمینه نخودی (Black on Buff) با طرح‌های گیاهی و حیوانی شناخته می‌شود.^{۲۲} دوره باکون بر مبنای تحولات اجتماعی - اقتصادی جوامع روستائین و افزایش جمعیت این استقرارها در هزاره پنجم قبل از میلاد شکل گرفته است.^{۲۳} سامنر معتقد است که در دوره باکون شواهدی از رشد بی‌سابقه جوامع استقراری دو یا سه‌رتبه‌ای با معیشتی بر مبنای کشاورزی و تخصصی شدن حرف و مدیریت اداری مشاهده می‌شود.^{۲۴} علی‌رغم گستردگی فراوان محوطه‌های دوره باکون در فارس تنها از مناطق معدودی همانند نورآباد ممسنی^{۲۵} و حوزه رود کر^{۲۶} تاریخ مطلق رادیو کربن ارائه شده است. برای تل نورآباد ممسنی برای دوره باکون تاریخ ۴۸۰۰ - ۳۹۰۰/۴۰۰۰ قبل از میلاد^{۲۷} و برای دوره باکون

Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran (Tehran: Iranian Center for Archaeological Research, Tehran, 2006).

^{۱۶} Abbas Alizadeh, *The Origins of State Organizations in Prehistoric Highland Fars, Southern Iran, Excavations At Tall-e Bakun* (Chicago: The University of Chicago, Oriental Institute Publications, 2006) vol. 128.

^{۱۷} Potts and Roustaei, "The Mamasani Archaeological Project Stage One," 171.

^{۱۸} Alizadeh, *The Origins of State Organizations in Prehistoric Highland Fars*, 119.

^{۱۹} Mary Voigt, and Robert H. J. Dyson, "Chronology of Iran, ca. 8000-2000 B.C.," *Chronologies of Old World Archaeology*, ed., Roger W. Ehrich (Chicago: Chicago University Press, 1992), vols. 1 and 2, 122-178; 125-153.

^{۲۰} Alireza Hojabri Nobari, Alireza Sardari, Hassan Fazeli Nashli, Hamid Khatib Shahidi, "Northern Fars in the Bakun Period: Archaeological Evidence from the Eghlid

^{۱۲} Alireza Hojabri Nobari, Alireza Sardari, Hassan Fazeli Nashli, and Hamid Khatib Shahidi, "Northern Fars in the Bakun Period: Archaeological Evidence from the Eghlid District," *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan* (AMIT), vol. 43/2012 (2012), 1-25.

^{۱۳} William Sumner, "Full-coverage regional archaeological survey in the Near East: an example from Iran," *Archaeology of regions*, eds., Suzanne K. Fish, and Stephen A. Kowalewski (Washington D.C: Smithsonian Institution Press, 1990), 87-115; "The Evolution of Tribal Society in the Southern Zagros Mountains, Iran," *Chiefdoms and Early States in the Near East: The Organizational Dynamics of Complexity*, edited by Gil Stein and Mitchell S. Rothman (Madison, Wis: Prehistory Press, 1994), 47-65.

^{۱۴} Sumner, "The Evolution of Tribal Society," 60.

^{۱۵} Daniel T. Potts, and Kourosh Roustaei, "The Mamasani Archaeological Project Stage One: A report on the first two seasons of the ICAR," *University of Sydney Joint*

پیشرفته و عدم شناسایی بافت مسکونی تا کنون در این محوطه، همگی نشان‌دهنده استقرار کاملاً تخصصی جهت تولید سفال در این دوره در تپه رحمت‌آباد هستند. با توجه به شواهد به دست آمده از کاوش در ترانشه‌های G و C پس از متروک شدن رحمت‌آباد در اواسط دوره نوسنگی با سفال (اندکی قبل از فاز موشکی، اواخر هزاره هفتم قبل از میلاد) این محوطه حداقل به مدت ۲۰۰۰ سال متروک بوده و در اوایل هزاره پنجم قبل از میلاد توسط سفال‌گرانی از فرهنگ باکون (فاز گپ) دوباره مسکون شده است. با توجه به مطالعاتی که تاکنون انجام شده، ترانشه‌های A، B و C^{۳۳} استقرار دوره باکون بیشتر در جهت جنوب محوطه گسترده شده است (تصویر ۲).

سفال‌های بدست آمده از لایه کاملاً قابل مقایسه با دیگر محوطه‌های کاوش شده معرف فرهنگ باکون همانند تل گپ^{۲۴}، تل نورآباد ممسنی،^{۲۵} تل میان‌رود در دشت درودزن،^{۲۶} تپه مهرعلی فارسی در شهرستان اقلید،^{۲۷} محوطه‌های هم‌زمان کاوش شده در تنگ بلاغی،^{۲۸} و تل بشی^{۲۹} است. سفال‌ها دارای پخت کافی و مناسب، منقوش، نقوش سیاه (black on buff) یا قرمز بر روی زمینه نخودی (red on buff) نقوش هندسی و حیوانی (نقوش حیوانی بسیار ساده و ابتدایی هستند و هنوز نقوش حیوانی پیچیده و انتزاعی همانند نقوش سفال‌های فاز باکون الف در این دوره مشاهده نمی‌گردد) در سطح خارجی و برخی موارد داخل سفال (نقوش هندسی بسیار متنوع و پیچیده است)، دارای آمیزه معدنی و در ظروف خشن ترکیب آمیزه معدنی و آلی، عموماً دست‌ساز (در برخی موارد آثار چرخ‌کند بر روی این سفال‌ها دیده می‌شود)

هستند (تصاویر ۸ و ۲۵). در برخی موارد به علت عدم کنترل درجه حرارت کوره سفال‌ها حالت اصلی خود را از دست داده و تقریباً ذوب شده‌اند. در این موارد نقوش سیاه در اثر حرارت زیاد به رنگ سبز تیره تغییر رنگ داده‌اند. بیشتر فرم سفال‌ها شامل کاسه، لیوان‌های بلند و در مواردی خمره‌ها و فنجان‌های کوچک است.^{۳۰} یکی از اشیاء سفالی شاخص بدست آمده از ترانشه G سردوک‌های منقوش سفالی است که همان‌گونه که علیزاده هم معتقد است سردوک‌های فاز گپ منقوش و سردوک‌های فاز باکون الف عموماً ساده هستند.^{۳۱} بافت این سردوک‌ها کاملاً قابل مقایسه با سفال‌های این فاز است (Black on Buff)، از حرارت مناسبی برخوردار و دارای آمیزه‌ای غیرآلی هستند. فرم کلی این سردوک‌ها مخروطی شکل و سطح بیرونی آنها با نقوش هندسی تزیین شده است (تصویر ۹).

دوره نوسنگی

در زیر لایه‌های فرهنگی متعلق به دوره باکون میانه، بقایای دوره نوسنگی قرار دارد. ضخامت لایه‌های متعلق به دوره نوسنگی در ترانشه G ۳،۵ متر و شامل دو دوره نوسنگی با سفال (اندکی قبل از فاز موشکی، اواخر هزاره هفتم قبل از میلاد) و دوره نوسنگی بدون سفال که در این مقاله با عنوان فاز رحمت‌آباد معرفی می‌شود (اواخر هزاره هشتم قبل از میلاد) تقسیم می‌گردد (جدول ۱ و تصاویر ۳ و ۴).

نوسنگی با سفال

در کاوش‌های فصل اول هیچ‌گونه لایه فرهنگی معرف به دوره نوسنگی در این محوطه شناسایی نشد و تنها

District," *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan* (AMIT), vol.43, 2012, 1-25.

^{۲۴} فاضلی نشلی، عزیزی‌خرانقی، "سبک‌شناسی و رابطه نقش و فرم."

^{۲۵} محمدحسین عزیزی‌خرانقی، گزارش دومین فصل کاوش‌های

باستان‌شناختی تپه رحمت‌آباد پاسارگاد (تهران: کتابخانه پژوهشکده

باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۹).

^{۲۶} Rinhard Bernbeck, Hassan Fazeli Nashali, and Susan

Pollock, "Life in a Fifth-Millennium BCE Village,

Excavations at Rahmat Abad, Iran," *Near Eastern*

Archaeology, 68:3 (2005), 94-105.

^{۲۷} Namio Egami and Sono Toshihiko, *Marv dasht II,*

Excavation at Tall-i Gap, 1959 (Tokyo: University of

Tokyo, 1962); Yoshihiro Nishiaki, *Prehistoric pottery from*

the Marv Dasht Plain, Iran (Tokyo: University Museum,

2003), Plate 47-63.

^{۲۸} Potts and Roustaei, "The Mamasani Archaeological

Project Stage One."

^{۲۹} موسی زارع، علی‌رضا ابوالاحرار، و سعید ابراهیمی، گزارش دومین

فصل کاوش تپه میان‌رود (منتشر نشده)، (کتابخانه پژوهشکده

باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۹).

^{۲۷} Nobari, Sardari, Fazeli Nashli, and Khatib Shahidi,

"Northern Fars in the Bakun Period: Archaeological

Evidence from the Eghlid District," 13-16.

^{۲۸} Helwing, and Seyedin, "Bakun-Period Sites in Darre-ye

Bolāghi."

^{۲۹} Susan Pollock, Rainhard Bernbeck, and Kamyar Abdi,

"The 2003 Excavations at Tol-e BaShi, Iran. Social Life in

a Neolithic Village," *Archäologie in Iran und Turan*, vol.10

(2010), 155, 157, 158.

^{۳۰} فاضلی نشلی، عزیزی‌خرانقی، "سبک‌شناسی و رابطه نقش و فرم،"

۱۱۰-۱۱۹.

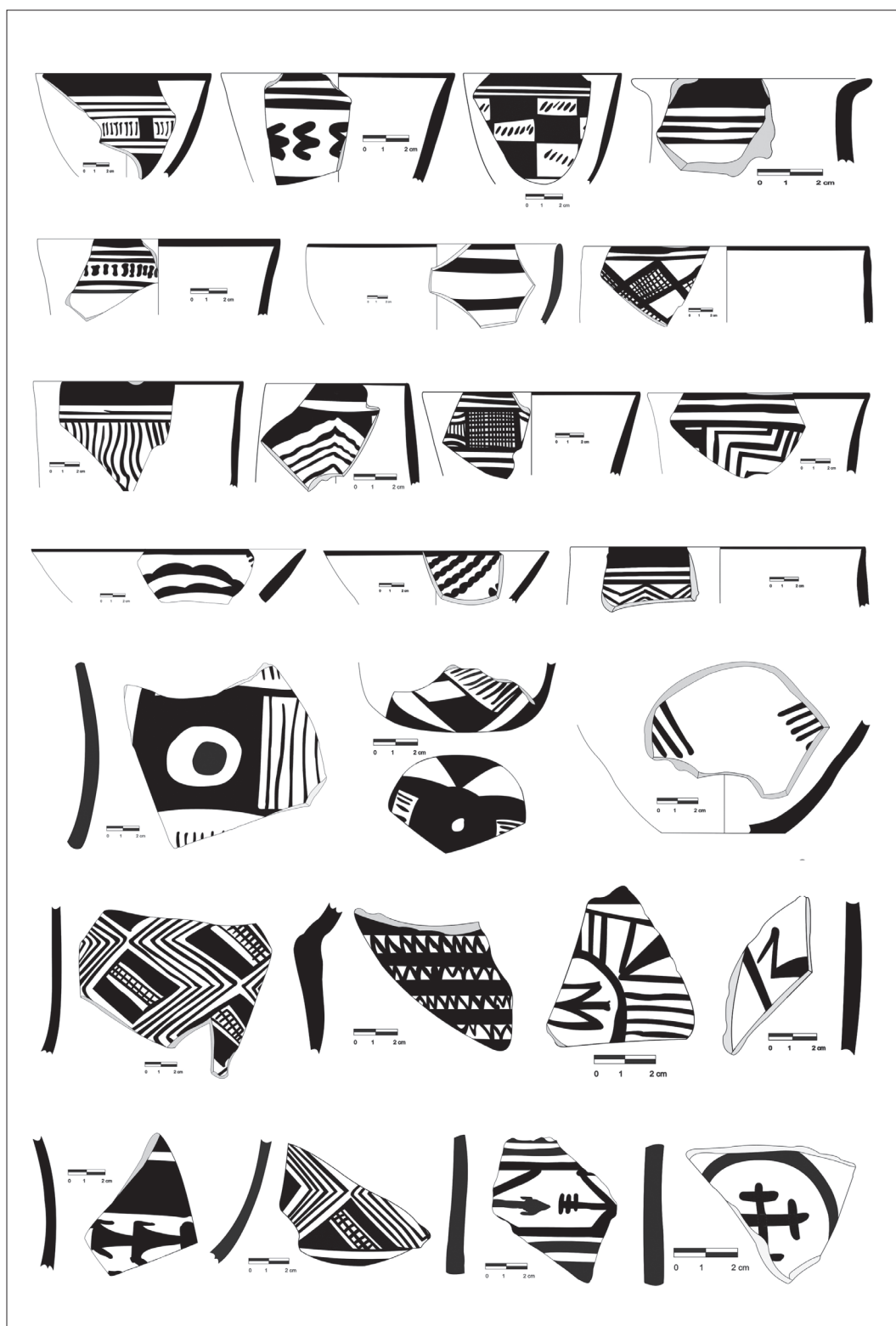
^{۳۱} Abbas Alizadeh, *The Origins of State Organizations in*

Prehistoric Highland Fars, Southern Iran, Excavations

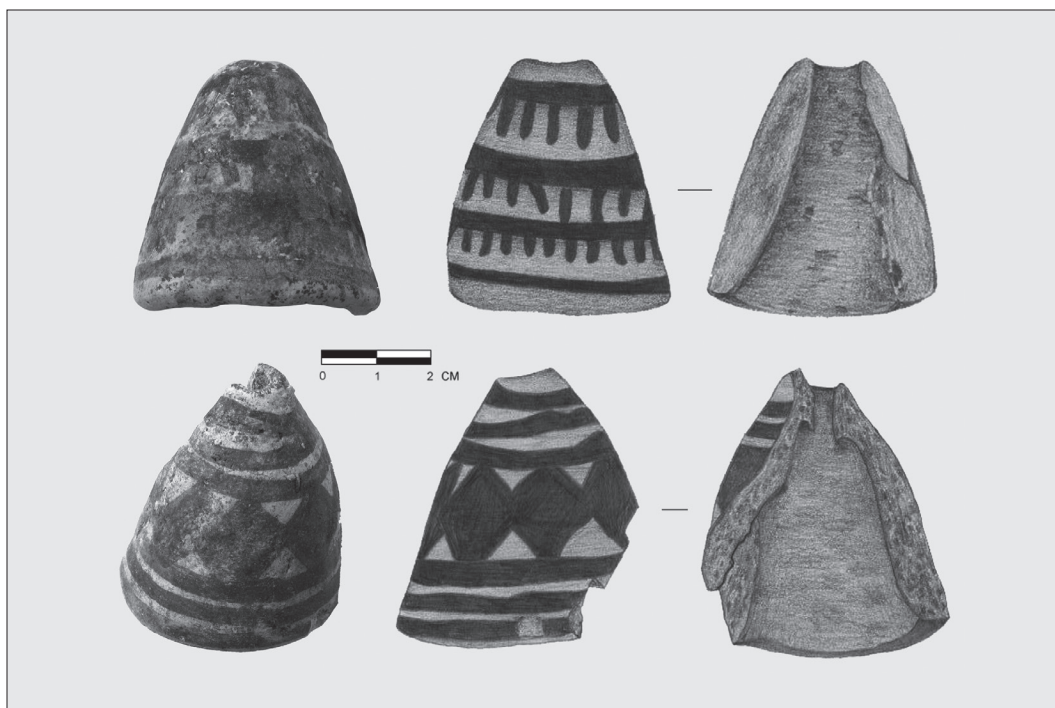
at Tall-e Bakun (Tehran: Iranian Cultural Heritage and

Handcraft Organization, Parse-Pasargadae Research

Foundation, 2004), 146.



تصویر ۸: نمونه‌هایی از سفال‌های فاز گپ بدست آمده از ترائشه G



تصویر ۹: سردوک‌های سفالی شاخص فاز گپ، ترانشه G

محوطه کاوش شده در دوره نوسنگی فارس است. تاریخ پیشنهادی عباس علیزاده برای تل موشکی ۶۰۰۰ - ۶۲۳۵ قبل از میلاد است.^{۳۲} نیشیاکی با تاریخ گذاری مطلق نمونه‌های زغال حاصل از کاوش‌های سال ۱۹۶۰-۱۹۵۰ هیئت ژاپنی تاریخ ۶۱۰۰ - ۶۳۵۰ قبل از میلاد را برای استقرار در تل موشکی پیشنهاد کرده است.^{۳۳} محوطه نوسنگی دیگر کاوش شده تل بشی می‌باشد. هر چند که تل بشی معرف فرهنگ موشکی نیست، ولی بخشی از فرهنگ نوسنگی با سفال را در فارس نشان می‌دهد که به نظر کاوشگران آن، مرحله انتقالی بین فازهای موشکی و جری است.^{۳۴} هر چند که شواهد سفالی بدست آمده از کاوش در ترانشه G تپه رحمت‌آباد این موضوع را تأیید نمی‌کند که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. تاریخ مطلق ارائه شده برای این محوطه ۵۷۳۰ - ۶۰۲۰ قبل از میلاد است.^{۳۵} تاریخ ارائه شده برای تل جری هم که معرف فازهای پایانی دوره نوسنگی در فارس است ۵۸۰۰ - ۶۰۵۰ قبل از میلاد

چند تکه سفال مربوط به نوع موشکی در میان لایه‌های فرهنگی دوره باکون میانه (هزاره پنجم قبل از میلاد) در ترانشه‌های مختلف به دست آمدند؛ اما در کاوش‌های صورت گرفته در ترانشه لایه‌نگاری G تقریباً ۱۵۰ سانتی متر لایه‌های معرف دوره نوسنگی با سفال شناسایی شد. در این لایه‌ها هیچ گونه شواهد معماری بدست نیامد و لایه‌های معرف این دوره همان‌گونه که در جدول بالا نیز آمده شامل خاک، خاکستر و خاک حرارت هستند و تنها سفال‌های شاخص این دوره و تاریخ مطلق ارائه شده از آن، مؤید این نکته است (تصویر ۱۱). با توجه به این که در ترانشه‌های لایه‌نگاری که در بخش‌های شمالی و غربی در سال ۸۴ هیچ‌گونه شواهدی از این دوره مشخص نگردید، احتمالاً رحمت‌آباد در دوره نوسنگی محوطه کوچکی بوده که در زیر بخش‌های مرکزی، جنوبی و شرقی محوطه کنونی قرار گرفته است. محوطه‌های اندکی از دوره نوسنگی با سفال معرفی شده‌اند و تنها برخی از آنها دارای تاریخ گذاری مطلق‌اند. تل موشکی اولین

Eastern Archaeology, no.12, (2003), vol. 66, 76-78.

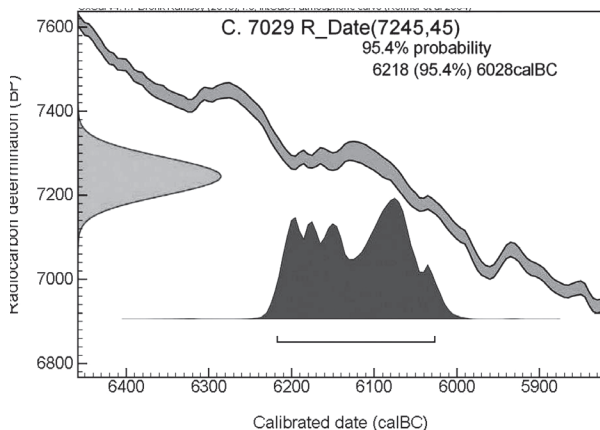
^{۳۵} Susan Pollock, Rainhard Bernbeck, and Kamyar Abdi, "The 2003 Excavations at Tol-e Ba'Shi, Iran," 263.

^{۳۶} Yoshihiro Nishiaki, "A Radiocarbon Chronology for the Neolithic Settlement of Tall-i Mushki, Marv Dasht Plain. Fars," *Journal of Persian studies*, vol. 48 (2010), 8.

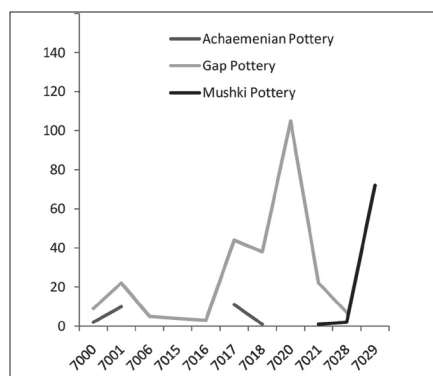
^{۳۲} Alizadeh, *The Origins of State Organizations*, 121.

^{۳۳} Yoshihiro Nishiaki, "The development of architecture and pottery at the Neolithic settlement of Tall-i Jari B, Marv Dasht, southwest Iran," *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan (AMIT)*, Band 42 (2010), 8.

^{۳۴} Rinhard Bernbeck, Susan Pollock, Kamyar Abdi, "Reconsidering the Neolithic at Tol-e Ba'Shi, Iran," *Near*



تصویر ۱۰: تاریخ مطلق ارائه شده برای پایان فاز نوسنگی با سفال در تپه رحمت آباد



تصویر ۱۱: نمودار پراکندگی انواع گونه‌های سفالی ترانسه G

سفال

بطور کلی تعداد ۷۵ قطعه سفال مربوط به دوره نوسنگی باسفال از کانتکست‌های متعلق به این دوره از ترانسه G بدست آمده است. این سفال‌ها همگی دست‌ساز، دارای آمیزه گیاهی، حرارت ناکافی (بصورتی که مغز سفال کاملاً دوزده و سیاه رنگ است) و پوششی در طیف‌های مختلف رنگ قرمز از کم‌رنگ تا پر رنگ هستند (Black on Red). در مواردی پوشش سفال‌ها نسبتاً غلیظ است به صورتی که می‌توان به راحتی بخشی از پوشش را که بصورت پوسته‌ای بر روی سفال دیده می‌شود، با ناخن برداشت. با توجه به این که متأسفانه ظرف کاملی از این دوره شناسایی نشد نمی‌توان در مورد فرم کلی سفال‌ها اظهار نظر قطعی کرد، ولی با توجه به لبه‌های ساده و چند نمونه کف تخت بدست آمده و همچنین بدنه‌های زاویه‌دار (Carination) که شاخص سفال‌های دوره نوسنگی هستند، می‌توان گفت عموماً فرم سفال‌های دوره نوسنگی رحمت‌آباد ساده و شامل کاسه‌هایی با لبه ساده و کف تخت است. در برخی موارد دهانه ظروف تنگ ولی در بعضی تقریباً به بیرون برگشته است. این سفال‌ها را به طور کلی می‌توان در دو دسته ساده (Simple Red) و منقوش طبقه‌بندی کرد (تصاویر ۱۲ و ۲۶). برای تزئین این سفال‌ها از نقوش سیاه رنگ هندسی بر روی بدنه تقریباً قرمز رنگ بهره برده شده است. نقوش هندسی مورد استفاده

است^{۳۶} و تاریخ پیشنهاد شده برای لایه‌های نوسنگی تل نورآباد ممسنی که تقریباً با فاز جری هم‌زمان است ۵۹۰۰ قبل از میلاد است.^{۳۷} محوطه‌های دیگری از قبیل تل میان‌رود^{۳۸} و تل قصر احمد کوار^{۳۹} نیز دارای لایه‌های معرف دوره نوسنگی باسفال هستند که هنوز تاریخ‌گذاری مطلق از آن منتشر نشده است. از لایه‌های نوسنگی با سفال ترانسه لایه‌نگاری G تپه رحمت‌آباد نیز یک نمونه تاریخ مطلق به کانتکست ۷۰۲۹ که آخرین لایه دوره نوسنگی با سفال در این ترانسه است، به دست آمده است. این تاریخ با احتمال ۹۵/۴ درصد درستی ۶۰۲۸ – ۶۲۱۸ قبل از میلاد است (تصویر ۱۱) که کاملاً قابل مقایسه با تاریخ ارائه شده برای لایه‌های تحتانی موشکی است. تاریخ مذکور بیانگر پایان دوره نوسنگی با سفال در تپه رحمت‌آباد و متروک شدن آن تا دوره باکون میانه است. به نظر می‌رسد رحمت‌آباد پس از دوره نوسنگی به مدت تقریباً ۱۵۰۰ سال متروک و دوباره در اواسط هزاره پنجم قبل از میلاد توسط صنعتگران و سفالگران دوره باکون میانه مجدداً مسکون شده است. متأسفانه هیچ‌گونه مدارک و شواهد معماری از دوره نوسنگی در ترانسه G شناسایی نشد و آثار فرهنگی بدست آمده از این دوره شامل قطعات سفال، ابزارهای سنگی، استخوان‌های حیوانی و یافته‌های ویژه است که در زیر بدان‌ها اشاره می‌گردد:

Center for Archaeological Research, Archaeological report, no. 4, (2006).

⁴⁰ Pollock, Bernbeck, and Abdi, "The 2003 Excavations at Tol-e BaShi."

⁴¹ Nishiaki, "A radiocarbon chronology for the Neolithic settlement," 3; Shinji Fukai, Kiyoharu Moriuehi, and Toshio Matsutani, *Marv Dasht III: Excavations at Tall-i-Mushki*, 1965 (Tokyo: Yamakawa Pub. Co., 1973).

³⁷ Louid L. Weeks, Karim Alizadeh, Lyli Niakan, Korosh Alamdari, Mohsen Zeidi, Alireza Khosrowzadeh, and B. McCall, "The Neolithic Settlement of Highland SW Iran: New evidence from the Mamasani District," *Journal of Persian studies*, vol. 44 (2006), 18.

³⁸ زارع، ابوالاحراز، و ابراهیمی، "گزارش دومین فصل کاوش تپه میان‌رود."

³⁹ Rinhard Bernbeck, Kamyar Abdi, M. Gregg, "A note on the Neolithic of Qara Agjaj Valley, Fars Province," *Iranian*



تصویر ۱۲: سفال‌های فاز نوسنگی با سفال تراشه G تپه رحمت‌آباد

تصویر ۲۶، شماره‌های: ۲۵، ۲۸، ۳۳، ۳۶، ۶۰، ۶۸). نکته جالب توجه این است که سفال‌های به دست آمده از اولین لایه‌های متعلق به دوره نوسنگی با سفال در تپه رحمت‌آباد همگی ساده و بدون نقش هستند.

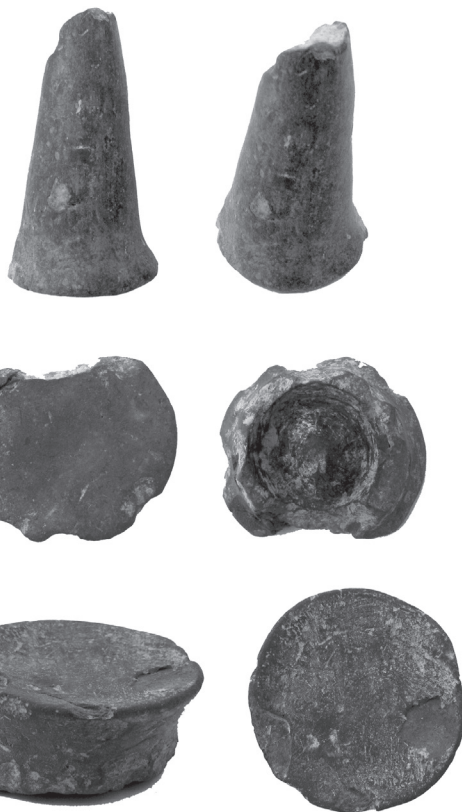
کاوشگران تل بشی با توجه به نقوش سفال‌های دوره نوسنگی به دست آمده در این محوطه، فاز بشی را به عنوان فازي مابين موشکی و جری در نظر گرفته‌اند.^{۴۰} هر چند که باید توجه داشته باشیم که کاوشگر تل موشکی اشاره کرده که سفال‌های به دست آمده از گمانه TMB دارای نقوشی متفاوت از نقوش کلاسیک موشکی و احتمالاً متعلق به

قرار گرفته بر روی سفال‌های نوسنگی رحمت‌آباد شامل خطوط عمودی و افقی موازی بر روی بدنه و لبه، نقوش نقطه و خط شاخص فاز موشکی، خطوط کج و موازی، خطوط متقاطع، مربع‌های پر شده با خطوط متقاطع و نقوش نردبانی مایل و عمودی هستند (تصویر ۱۲). بخش اعظم سفال‌های شناسایی شده کاملاً قابل مقایسه با سفال‌های تل موشکی هستند ولی در میان آنها نقوشی مشابه با نقوش تل بشی (تصویر ۲۶، شماره‌های: ۴۵، ۶۳، ۶۷، ۸۳) هم دیده می‌شود. تعدادی از موتیف‌ها و نقوش اجرا شده بر روی سفال‌های رحمت‌آباد نیز اصلاً قابل مقایسه با هیچ یک از دو محوطه مذکور نیستند)

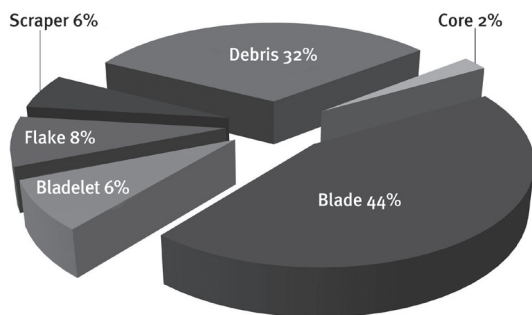
فازهای پایانی موشکی است.^{۴۱} و همچنین کاوشگر تل جری نیز اشاره کرده که سفال‌های لایه آغازین جری B (Level 8) بسیار قابل مقایسه با سفال‌های گمانه TMB موشکی و بیانگر تداوم سنت‌های موشکی در آغاز استقرار در جری B است.^{۴۲} و هیچ‌کدام از آنها این گونه سفالی را به عنوان فاز جدید معرفی نکرده‌اند.^{۴۳} همان‌گونه که در بالا اشاره شد در میان مجموعه سفالی نوسنگی ترانشه G نقوش و موتیف‌های کلاسیک موشکی و جری در کنار یکدیگر پیدا شده‌اند و تاریخ مطلق ارائه شده

برای این فاز (تصویر ۱۱) با آغاز استقرار در تل موشکی هم‌زمان است و حدود ۲۰۰ سال از شروع استقرار در تل بشی قدیمی‌تر است. به نظر نمی‌رسد حضور یا عدم حضور نقوش خاصی در لایه‌های باستان‌شناختی بیانگر فاز فرهنگی جدیدی است و بر مبنای اطلاعات تل موشکی و جری B و همچنین تپه رحمت‌آباد، سفال‌هایی که به عنوان فاز بشی معرفی شده‌اند احتمالاً نوع خاصی از موتیف سفالی است که در فاز موشکی رواج داشته، همان‌گونه که در تپه رحمت‌آباد این نقوش و نقوش کلاسیک موشکی از کانتکستی مشابه به دست آمده‌اند.

یکی از یافته‌های به دست آمده از لایه‌های فرهنگی متعلق به دوره نوسنگی با سفال در ترانشه G، ۸ عدد شی گلی خاصی است که در لایه‌های فرهنگی دیگر محوطه‌های نوسنگی فارس از قبیل موشکی^{۴۴} و بشی^{۴۵} به دست آمده‌اند. این اشیاء از گل خوب ورز داده شده و حرارت دیده‌ای، عموماً به شکل استوانه‌ای که بخش میانی آن باریک‌تر از دو سر آن است، دیده می‌شوند. برای همه این اشیاء می‌توان رنگ مانسل 2.5Y 3.1 very dark gray در نظر گرفت. (تصویر ۱۳). فوکایی حفار تل موشکی از این اشیاء با عنوان زیورآلاتی برای گوش،^{۴۶} باستان‌شناسان دیگر از آن با عنوان آویزه یا زیوری



تصویر ۱۳: اشیاء گلی فاز نوسنگی با سفال رحمت‌آباد



تصویر ۱۴: نمودار تنوع پراکنش ابزارهای سنگی به دست آمده از دوره نوسنگی با سفال ترانشه G تپه رحمت‌آباد

Tol-e BaShi," 182, 184.

⁴⁶ Fukai, Moriuehi, and Matsutani, *Marv Dasht III*, Plate Fig. 99, Tab 49.

⁴⁷ Frank Hole, *Studies in the archeological history of the Deh Luran Plain: the excavation of Chagha Sefid* (Ann Arbor: Museum of Anthropology, University of Michigan, 1977), 236; Pinhas. P. Delougaz., Helen Kantor, "Choga Mish," *The first five seasons of excavations 1961-197*, ed., Abbas, Alizadeh (Chicago: Oriental institute publications, 1996), 252.

⁴² Yoshihiro Nishiaki, "The development of architecture and pottery at the Neolithic settlement," 123; Namio Egami and Sono Toshihiko, *Marv dasht II*.

⁴³ Maeda, "A study on the painted pottery from Tepe Djari B," *Bulletin of the Ancient Orient Museum* 8, (1986), 66-72.

⁴⁴ Fukai, Moriuehi, and Matsutani, *Marv Dasht III Plate*, XIV:2, Plate, XV:2, 3, 4, 5, Plate, XXXVIII, XXXIX.

⁴⁵ Pollock, Bernbeck, and Abdi, "The 2003 Excavations at

Context	Core	Debris	Scraper		Flake	Blade let	Blade	Total
			Double side	Side				
7029	1	16	2		3	3	21	47
7030		12	1	2	4	4	18	41

جدول ۲: انواع و تعداد ابزارهای سنگی کانتکست‌های نوسنگی با سفال ترانسه G تپه رحمت‌آباد

است (تصویر ۲۷).

نوسنگی بدون سفال (فاز رحمت‌آباد)

دقیقاً در زیر لایه‌های مربوط به دوره نوسنگی با سفال بدون هیچ وقفه زمانی و فرهنگی، ۲ متر آثار و نهشته‌های فرهنگی متعلق به دوره نوسنگی بدون سفال (فاز رحمت‌آباد) شناسایی شد که تا خاک بکر در عمق ۸۷۰ سانتی‌متری از سطح ترانسه ادامه داشت. این لایه‌ها، شامل کانتکست‌هایی از خاک، خاکستر و خاک‌حرارت دیده بودند که در میان آنها حتی یک قطعه سفال شناسایی نشد (جدول ۱، تصاویر ۳ و ۴). آثار فرهنگی به دست آمده از این دوره تنها شامل تعداد زیادی انواع ابزارهای سنگی و مقدار اندکی استخوان حیوانی و نمونه‌های زغال بود. شواهد و مدارک موجود نشان‌دهنده این است که تپه رحمت‌آباد علاوه بر غار حاجی بهرامی که در تنگ بلاغی واقع شده^{۵۲} یکی از معدود استقرارگاه‌هایی است که در منطقه مورد سکونت انسان در دوره نوسنگی بدون سفال (PPN، فاز رحمت‌آباد) قرار گرفته و البته موقعیت مناسب

برای لب (Labret) نام برده‌اند.^{۴۷} برخی نیز آن را برای بازی،^{۴۸} رنگ‌ساب،^{۴۹} وسیله آرایشی^{۵۰} و یا اشیاء یادمانی^{۵۱} ذکر کرده‌اند. هنوز کاربرد خاص و مشخصی برای این اشیاء ارائه نشده ولی احتمالاً بتوان آنها را با توجه به فرم خاصی که دارند در گروه اشیاء شمارشی قرار داد.

یکی دیگر از یافته‌های بدست آمده از این دوره، ابزارهای سنگی است. از دو کانتکست ۷۰۲۹ و ۷۰۳۰ ابزارهای سنگی شناسایی شده است (جدول ۲). همگی ابزارهای به دست آمده از جنس سنگ چرت در رنگ‌های مختلف سبز، قهوه‌ای، کرم، سیاه و خاکستری می‌باشند. به طور کلی این ابزارها را می‌توان در ۸ گروه مختلف طبقه‌بندی کرد که شامل: تیغه (۳۹ عدد)، ریز تیغه (۷ عدد)، تراشه (۷ عدد)، خراشنده یک‌سویه (۲ عدد)، خراشنده دوسویه (۳ عدد)، دور ریز (۲۸ عدد)، سنگ‌مادر (۲ عدد) و می‌باشند (تصویر ۱۴). آثار رتوش و صیقل بر روی بسیاری تیغه‌های سنگی قابل مشاهده

Lab number	Provenience	Material	Lab date bp	Calibrated date BC (2 sigma range) ^۱
KIA33174	Unit A Loc 53, Level A IV	charcoal	7945 +/-	7040 – 6690
KIA33173	Unit A Loc 61, Level A VI	charcoal	8023 +/-45	7080 – 6770
UZ 5331/ETH 31882 ^۲	Unit A Loc 62, Level A VII	charcoal	7925 +/-75	7050 - 6640

تصویر ۱۵: جدول تاریخ‌گذاری مطلق گمانه پیشرو ترانسه A^{۵۴}

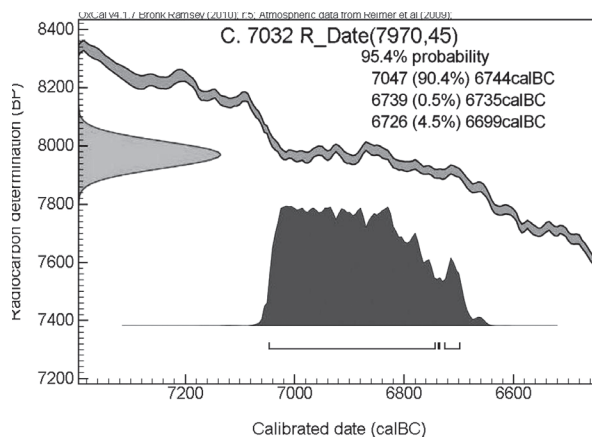
^{۵۱} Pollock, Bernbeck, and Abdi, "The 2003 Excavations at Tol-e BaShi," 189.

^{۵۲} Akiro A. Tsuneki and Mohsen Ziedi, *Tang-e Bolaghi, The Iran-Japan archaeological project for the Sivand Dam Salvage Area* (Tsukuba : Iranian Center for Archaeological Research and Department of Archaeology, University of Tsukuba, 2008).

^{۴۸} Vadim M. Masson and Viktor I Sarianidi, *Central Asia: Turkmenia before the Achaemenids* (New York: Praeger, 1972), 42

^{۴۹} Roman Ghirshman, *Fouille de Sialk près de Kashan* (Paris: P. Geuthner, 1938) 23-24; Hole, *Studies in the archaeological history*, 234.

^{۵۰} David Stronach, "Excavation at Ras al'Amiya," *IRAQ*, no. 2, vol. 23 (autumn 1961), 107.



تصویر ۱۶: تاریخ‌گذاری مطلق فاز نوسنگی بدون سفال ترانسه در تپه رحمت‌آباد

سفال با فاز با سفال باشد، شناسایی نشد. از کانتکست ۷۰۳۲ ترانسه G که بر اساس اطلاعات لایه‌نگاری منسجم و قابل اعتماد و همچنین با توجه به یافته‌های سفالی، مربوط به آخرین فازهای استقرار در فاز نوسنگی بدون سفال در تپه رحمت‌آباد در ترانسه G است، یک نمونه تاریخ‌گذاری مطلق انجام شده است که با احتمال ۹۰/۴ درصد درستی ۶۷۴۴ – ۷۰۴۷ قبل از میلاد (تصویر ۱۶) است که کاملاً قابل مقایسه با تاریخ‌گذاری صورت گرفته از گمانه پیشرو ترانسه A است. بر اساس اطلاعات دقیق لایه‌نگاری در ترانسه G همان‌گونه که در بالا نیز ذکر شد، تاریخ ذکر شده مربوط به اواخر فاز نوسنگی بدون سفال در تپه رحمت‌آباد است و هنوز حدود ۲ متر لایه‌های فرهنگی بدون تاریخ‌گذاری مطلق وجود دارند که

این محوطه از نظر زیست محیطی و همچنین عبور رودخانه پلوار در فاصله حدود ۵۰۰ متری شرق، وجود کوه‌ها و ارتفاعات تنگ بلاغی در بخش شمالی و همچنین زمین‌های حاصل‌خیز و پرمحصول قسمت جنوبی، از جاذبه‌هایی است که انسان دوره پیش از تاریخ را به این محوطه جذب کرده است. کانتکست‌های ۷۰۳۲ الی ۷۰۴۰ معرف این دوره‌اند. در کاوش‌هایی که در فصل اول در تپه رحمت‌آباد صورت گرفت از لایه‌های تحتانی گمانه پیشرو در ترانسه A سه تاریخ مطلق ارائه شده^{۵۳} که نشان‌دهنده استقرار این محوطه در اواخر هزاره هشتم تا اواسط هزاره هفتم قبل از میلاد در ادوار نوسنگی بدون سفال در تپه رحمت‌آباد است (تصویر ۱۵). متأسفانه در این گمانه اطلاعات لایه‌نگاری که نشان‌دهنده توالی فرهنگی لایه‌های نوسنگی بدون

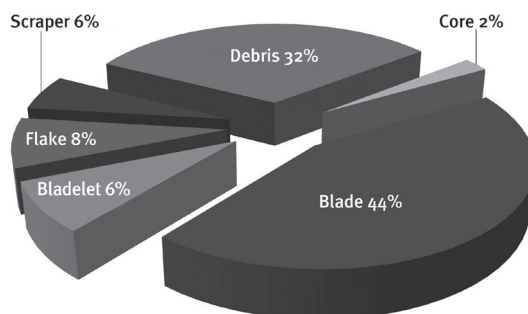
Context	Core		Scraper		Debris	Flake	Blade let	Blade	Total
	Flake	Bullet	Double side	Side					
7032	1	6	2	3	1461	20	36	109	1638
7033	1	1		2	6	15	12	60	97
7037			1	1	7			6	15
7038					1	1		2	4
7039		1		1	13	5	10	16	46
7040				1	17	5	5	14	42

⁵³ Rinhard Bernbeck., Susan Pollock., Hassan Fazeli Nashli , “Rahmat Abad: Dating the Aceramic Neolithic in Fars Province,” *Neo-Lithics*, 1:08 (2008), 38.

نتیجه گیری

رحمت آباد از محدود محوطه های دارای توالی فرهنگی از دوران پیش از تاریخی تا اسلامی مطالعه شده در حوزه فرهنگی فارس است. موقعیت جغرافیایی خاص این محوطه و دسترسی به منابع مختلف زیست محیطی از قبیل آب، خاک حاصل خیز، کوهستان و جنگل و همچنین موقعیت استراتژیک آن موجب جلب گروه های انسانی در ادوار تاریخی مختلف به این محوطه کوچک شده است. قدیمی ترین لایه های استقرار این محوطه مربوط به دوره نوسنگی است. دوره نوسنگی تپه رحمت آباد را می توان با توجه به تاریخ گذاری مطلق و اطلاعات لایه نگاری به دو فاز رحمت آباد (فاز نوسنگی بدون سفال) و (فاز نوسنگی با سفال) تقسیم نمود. قدیمی ترین تاریخ کربن ۱۴ از فاز رحمت آباد ۶۷۴۴ - ۷۰۴۷ قبل از میلاد است و تاریخ ارائه شده برای پایان فاز نوسنگی با سفال ۶۰۲۸ - ۶۰۲۱۸ قبل از میلاد است (جدول ۴، تصویر ۱۷). هیچ شواهدی از معماری در فازهای نوسنگی در ترانشه G شناسایی نشد. حضور سطوح حرارت دیده و یا چاله های خاکستر احتمالاً نشان دهنده استقرار موقت و فصلی در دوران نوسنگی در تپه رحمت آباد است. همان گونه که در تل موشکی نیز که لایه های آغازین آن با پایان استقرار نوسنگی در رحمت آباد همزمان است، تنها معماری معدودی شناسایی شده است^{۵۶} و این احتمالاً بیانگر این است که جوامع نوسنگی فارس در اواخر هزاره هفتم قبل از میلاد هنوز به طور کامل یکجانشین نشده بودند. البته برای تبیین کامل این امر نیاز به انجام کاوش های گسترده در چنین محوطه هایی است. ولی در فاز بعدی نوسنگی یعنی فاز جری معماری منسجم روستایی کاملاً شکل گرفته است.^{۵۷}

در اواخر هزاره هفتم قبل از میلاد رحمت آباد متروک و دوباره در دوره باکون میانه (فاز گپ) توسط صنعت گران و سفال گران این دوره دوباره مسکون می شود. با توجه به شواهد باستان شناختی که در ترانشه G و C به دست آمده، رحمت آباد به کارگاهی جهت تولید سفال تبدیل شده بود و تمامی شواهد حاکی از فعالیت های گسترده سفالگری



تصویر ۱۷: تنوع پراکنش ابزارهای سنگی بدست آمده از دوره نوسنگی بدون سفال ترانشه G تپه رحمت آباد

احتمالاً با انجام تاریخ گذاری در لایه های پایین تر، بتوان ارتباط گاهنگاری رحمت آباد را با لایه های فرهنگی دوره فراپارینه سنگی غار حاجی بهرامی برقرار کرد. تاریخ مطلق ارائه شده برای لایه های فراپارینه سنگی غار حاجی بهرامی ۱۲۰۰۰ - ۱۰۰۰۰ قبل از میلاد و دوره نوسنگی بدون سفال ۱۰۰۰۰ - ۷۰۰۰ قبل از میلاد است.^{۵۵}

از کاوش در لایه های متعلق به دوره نوسنگی بدون سفال در ترانشه G در دومین فصل حفاری در این محوطه با توجه به ابعاد کوچک کاوش در آن هیچ گونه سازه معماری شناسایی نشد و تنها از این لایه ها به مقدار بسیار کم استخوان حیوانی، دو عدد شی استخوانی، یک نمونه شی سنگی و تعدادی ابزار سنگی به دست آمده است. به طور کلی از ۶ کانتکست متعلق به دوره نوسنگی بدون سفال تعداد ۱۸۴۲ قطعه ابزار سنگی از جنس سنگ چرت در رنگ های مختلف به دست آمده (جدول ۳) که شامل: تیغه (۲۰۷ عدد)، ریز تیغه (۶۳ عدد)، تراشه (۴۶ عدد)، خراشیده یک سویه (۸ عدد)، خراشیده دوسویه (۳ عدد)، دور ریز (۱۵۰۵ عدد)، سنگ مادر فشنگی (۸ عدد) و سنگ مادر معمولی (۲ عدد) است (تصویر ۱۷). آثار رتوش و صیقل بر روی بسیاری تیغه های سنگی قابل مشاهده است (تصویر ۲۸). همچنین از کاوش ها سه عدد شی ویژه شامل یک عدد درفش استخوانی از کانتکست ۷۰۳۳، یک عدد شی سنگی از کانتکست ۷۰۳۷ و یک عدد شی استخوانی از کانتکست ۷۰۳۸ به دست آمده است.

⁵⁶ Nishiaki, "A Radiocarbon Chronology for the Neolithic Settlement," 6.

⁵⁷ Nishiaki, "The development of architecture and pottery at the Neolithic settlement," 116-118.

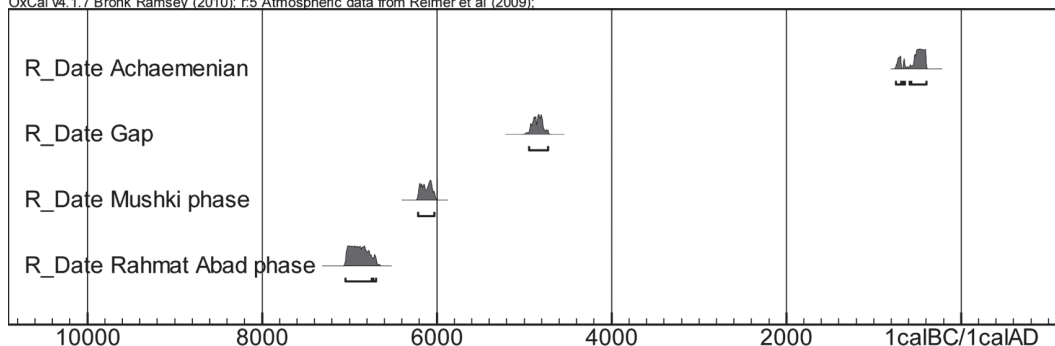
⁵⁴ Bernbeck., Pollock., Fazeli Nashli, "Rahmat Abad: Dating the Aceramic Neolithic," 38.

⁵⁵ Tsuneki and Ziedi, *Tang-e Bolaghi*, The Iran-Japan archaeological project, 158, Table 10.1.

Lab number	Trench	Context	Period	Date BP.	Cal BC (2 sigma)	Material
TKa-15307	G	7015	Achaemenian	567- 399	2415+/-35	Charcoal
TKa-15309	G	7020	Gap Phase	4945- 4763	5965+/-40	Charcoal
TKa-15311	G	7029	Mushki Phase	6217- 6028	7245+/-45	Charcoal
TKa-15313	G	7032	Rahmat Abad Phase	7047- 6743	7970+/-45	Charcoal

جدول ۴: تاریخ‌گذاری به روش کربن ۱۴ دوره‌های مختلف فرهنگی ترانسه G تپه رحمت‌آباد

OxCal v4.1.7 Bronk Ramsey (2010); r5 Atmospheric data from Reimer et al (2009);



Calibrated date (calBC/calAD)

تصویر ۱۸: نمودار تاریخ‌گذاری کربن ۱۴ ترانسه G تپه رحمت‌آباد

تقدیر و تشکر

کاوش‌های صورت گرفته در فصل دوم مدیون همکاری و مساعدت اعضاء تیم کاوش خانم‌ها آیلاز عبدالله‌زاده، نسترن مرادی و آقایان وحید بارانی، مرتضی خانی‌پور، حمید کرمی و فرهاد زارعی است که از همگی آن‌ها قدردانی می‌شود. ضمناً از دکتر حسن فاضلی نشلی ریاست وقت پژوهشکده باستان‌شناسی، جناب آقای دکتر طالبیان ریاست محترم بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد و جناب آقای نصیری مسئول محترم مرکز پاسارگاد به دلیل همراهی‌ها و همکاری‌هایشان با تیم کاوش تشکر و قدردانی ویژه می‌گردد.

شامل کوره‌های سفال‌گری، لایه‌های ضخیم خاکستر و تعداد فراوانی قطعات سفالی است. پس از دوره باکون این محوطه تا دوره هخامنشی متروک می‌ماند. با توجه به موقعیت استراتژیک رحمت‌آباد در این دوره یعنی تسلط آن بر دهانه جنوبی تنگ بلاغی و عبور مسیر شاهی بین پاسارگاد و تخت جمشید درست از کنار تپه رحمت‌آباد، مورد توجه هخامنشیان قرار می‌گیرد. تاریخ مطلق ارائه شده از لایه‌های هخامنشی نشان‌دهنده استقرار از اوایل دوره هخامنشی بر روی تپه رحمت‌آباد است. با توجه به مدارکی که از کاوش در ترانسه G به دست آمده، در دوره هخامنشی بر روی تپه رحمت‌آباد سازه‌ای خشتی با نمایی دایره‌ای ساخته می‌شود که احتمالاً از آن به عنوان پایگاهی برای کنترل و نظارت بر مسیر شاهی استفاده می‌شده است. جدیدترین فاز استقرار رحمت‌آباد نیز مربوط به گورستانی عشایری از اواخر دوره اسلامی (قاجار) است. رحمت‌آباد با وسعت اندک خود یکی از بهترین محوطه‌های باستانی در حوزه فرهنگی فارس است که می‌توان در آن آثار مختلفی را از ادوار فرهنگی متفاوت مطالعه کرد.



تصویر ۱۹: عکس هوایی از تپه رحمت‌آباد (آرشیو پایگاه پژوهشی پارسه - پاسارگاد)



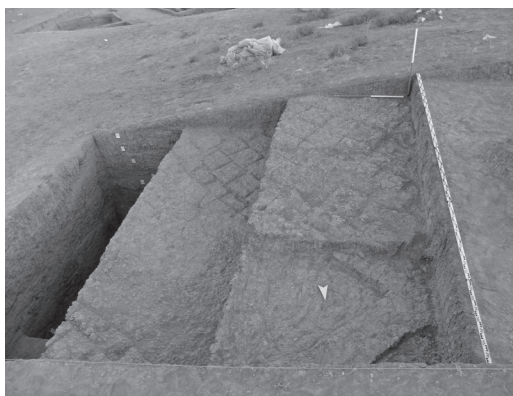
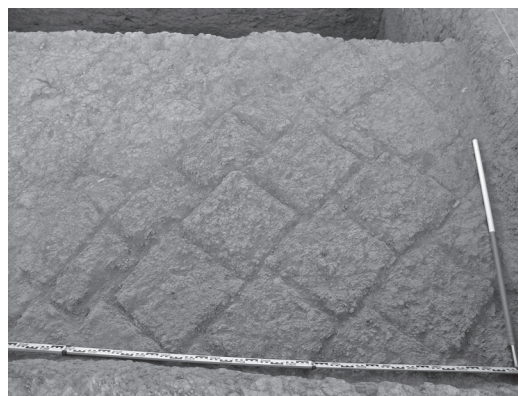
تصویر ۲۰: نمای کلی ترانشه G



تصویر ۲۲: نمونه‌ای از تدفین اسلامی در تپه رحمت‌آباد



تصویر ۲۱: نمونه‌های از قبور اسلامی تپه رحمت‌آباد



تصویر ۲۳ : سازه خشتی هخامنشی تپه رحمت آباد



تصویر ۲۴ : نمونه‌های از سفال هخامنشی ترانشه G



تصویر ۲۵: سفالهای فاز گپ تپه رحمت آباد



تصویر ۲۶: سفال‌های فاز موشکی تپه رحمت‌آباد



تصویر ۲۷: ابزارهای سنگی فاز نوسنگی با سفال تپه رحمت‌آباد



تصویر ۲۸: ابزارهای سنگی فاز نوسنگی بدون سفال تپه رحمت‌آباد